**حکمت**

صحیفه سجادیه دعای ۵ امام سجاد(ع)

خدایا؛ ما را از دوزخ انتقام خویش رهایی بخش. ای آن کسی که گنجینه‌های رحمتش پایان‌پذیر نیست. پروردگارا؛ ما را از سختی‌های حوادث عالم، کفایت فرما و از شر و آسیب دام‌های شیطان، محفوظ دار. خدایا؛ سلامت دل‌های ما را در یاد عظمت خود قرار ده و آسایش تن و صحت بدن ما را به شکر نعمت و سپاسگزاری خود بدار.

سرمقاله

# هر مجلس، یک قصه

## تطورات مجالس شب‌های ماه مبارک رمضان در دهه اخیر و فرهنگ‌های متفاوت ایرانی

عطیه ایزدخواه
دبیر چادیواری

۱

یادم میاد تو دوران کودکیم برای شب‌های قدر همراه مامان به مجلس زنونه‌ای می‌رفتم که نزدیکی حرم حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام بود.

بابا ما رو می‌رسوند و خودش می‌رفت سمت حرم و من چشمم به بابا بود که ای کاش با بابا برم. آخه پیش مامان خسته می‌شدم و تهش تو جنگ خواب و بیداری، یا با بدبختی بیدار می‌موندم یا با عذاب وجدان می‌خوابیدم.

چند سالی که گذشت و من تقریبا نوجوون محسوب می‌شدم دیگه شبای قدر می‌رفتیم حرم و باز من چشمم به مسجد محله بود که همسایه‌هامون می‌رفتن. آخه به خاطر ازدحام جمعیت و زیادی دوستانه نشستن خونواده‌ها کنار هم کلافه می‌شدم و گوشم صوت دعا رو نمی‌شنید.

دانشگاهی که شدم تقریبا دستم اومده بود که شبای قدر دوست دارم کجا باشم و چطوری مناجات کنم. اما خب این شبا مثل روزای محرم نبود که بتونم اجازه بگیرم و خودم به مراسمی برم. پس همراه خونواده راهی مسجد محله می‌شدیم.

بعد از ازدواجم دیدیم این‌طوری نمی‌شه که همیشه یه جا بریم. درسته سبکامون تقریبا شبیه هم بود اما هرکدوم با نفس یه مجلسی ارتباط برقرار می‌کردیم. به‌خاطر همین با توافقات انجام شده، هم به دل من می‌رفتیم مجلسی و هم به انتخاب همسر.

می‌دونستم اگه خدا فرزندی به ما عطا کنه یه کم کار سخت می‌شه که بنا به انتظارات من بریم مراسم احیا و درباره این وضعیت بارها با هم صحبت کردیم. اما قبل از اومدن بچه، قواعد اجتماعی جامعه به خاطر پاندمی کرونا به کل تغییر کرد.

به اجبار محیط رو تغییر دادیم. اول از همه تنهایی و مناجاتای فردی و گاهی دوتایی. کم‌کم روضه‌های خونگی کوچیک زنده شدن و گاهی هم مناجاتای پخش شده از تلویزیون و بعدترش برای من به خاطر وجود دخترم در بطنم، شد نشستن پای مجلسی که دوست دارم، اما از قاب اینستاگرام.

و حالا امسال، با دغدغه این‌که با دختر هشت ماهم کجا بریم که اون هم آرامش داشته باشه.

۲

بنا به تجربه می‌توان گفت به دلیل ساختار شخصیتی ما ایرانیان که متأثر از یک روند فرهنگی، اجتماعی و تاریخی است، عموما برای مسائل پیش رویمان نسخه‌های واحد داریم. برای مثال در باب انجام مناسک مذهبی همچون شب‌های قدر ماه مبارک رمضان.

گروه‌های مختلف مردم هم قواعد متفاوتی دارند که شاید با همدیگر در تضاد باشد. در گذشته به خاطر بعد مکان و حفظ حریم‌های خصوصی، این تفاوت عمدتا باعث درگیری نمی‌شد. اما هرچه زمان جلوتر رفت، به خاطر زیاد شدن رسانه‌ها و تبادل اطلاعات فارغ از بعد زمان و مکان، این تضادها بیشتر به چشم آمد و گاهی باعث درگیری‌های لفظی هم شد.

در جهان زیسته خاطره من، می‌توان قاعده‌ها را این‌گونه تفکیک کرد که ابتدا مجالس زنانه خصوصی دارای اولویت زیادی برای زنان بودند و عموما هم در انجام مناسک، سبک خاص خود را داشتند. مثل این‌که ابتدا به خواندن نماز قضا و گفتن احکام می‌گذشت، سخنرانی متناسب با زنان و بعد هم قرائت دعاها به صورت دسته‌جمعی بسیار حائزاهمیت بود و بعد هم روضه‌خوانی‌ها و دیگر مناسک. کم‌کم می‌شود گفت در چنین جامعه‌ای، حضور خانوادگی در اماکن مقدس رایج شد و اصرار بر جدا بودن زنان و مردان هنگام مراسم عزاداری کمرنگ‌تر.

در گذر زمان مساجد فعال‌تر شدند و به فراخور مکانشان مجالس بزرگ و کوچکی را تدارک می‌دیدند. در شیوه اجرا نیز، مناسک مداحی‌ها و روضه‌خوانی‌ها، جای نماز و قرآن خواندن‌های دسته‌جمعی را گرفت و حتی در مواقعی جای سخنرانی‌ها را.

روضه‌های کوچک خانگی کم‌کم از رونق افتادند و مجالس منتسب به مداحان پررنگ‌تر شدند.

۳

تغییر و تحول‌هایی که در شیوه انجام مناسک به وجود آمده بود از یک سو و مطلع شدن همه از شیوه‌های مختلف مناسک از سوی دیگر، باعث شد مردم بیشتر درباره موضوعات تأمل کنند. ابتدا با جدال افراد با همدیگر روبه‌رو بودیم، چراکه هر فرد یا گروهی می‌خواستند درستی قاعده‌های خود



را به دیگران اثبات کنند و احتمال درست بودن سبک‌های دیگر برای افراد سخت بود.

علاوه بر تفاوت هایی که ذکر شد، دو مقوله دیگر هم در استمرار این شرایط دخیل بودند. اول تفاوت‌های فرهنگی شهرها و قومیت‌های متعدد ایرانی و دوم تذکرهای عالمان فقه و اخلاق و عرفان در باب این‌که مراقب باشیم انجام مناسک از معنای اصیل خود تهی نشود که البته آرای آنها نیز با هم تفاوت‌هایی داشت.

تفاوت‌های فرهنگی، گستردگی فراوان و عموما هم جدل‌های زیادی در پی داشت؛ مثلا در شهرهایی همچون یزد روضه‌خوانی‌ها و مداحی‌ها دارای چارچوب ساده مشارکت عمومی در مداحی‌ها و برگزار نشدن روضه‌خوانی‌های سنگین و تکیه بر قواعد شعری است و طبق تجربه جوانان یزدی گریه کردن با صدای بلند، نوعی خرق عادت است و چندان رایج و مورد استقبال نیست. این را بگذارید در مقابل سبک عزاداری تهران، بوشهر، اردبیل، زنجان و...

با ورود سبک‌های عزاداری اصطلاحا تهرانی در شهرهای مختلف مثل یزد تضادهای فکری و مناسکی زیاد شد و به شکاف نسلی دامن زد.

در باب نکاتی هم که علما بهش توجه می‌کردند می‌توان به توجه به اصالت مساله مناجات با خدا و احیای عزاداری در جهت تکریم و یادآوری چرایی راه اهل‌بیت اشاره کرد که بحث بسیار گسترده ای است و مجال سخن گفتن درباب آن اکنون وجود ندارد.

همه نکاتی که گفته شد یک طرف، هیأت‌های مجازی هم یک طرف که در آن، اساسا اصالت حضور و تأثیر محیط هم از بین می‌رود. اما خب در شرایطی باعث می‌شود فرد به صورت تمام از انجام مراسم منفک نشود و در تجربه شخصی خود به انجام مناسک بپردازد. علاوه بر این‌که برای همه افراد با هر شرایط شخصی و محیطی، حضور در هر هیأتی که دلش می‌خواهد را فراهم می‌کند.

۴

میان توصیفات گفته شده درباره احیای مراسم دینی، این نکته مغفول مانده که چرا انجام مناسک برای ما دارای اهمیت است. در پاسخ به این مسأله، نکته بنیادی‌تر، استمرار رابطه عبد و معبود است. رابطه‌ای که در آن، معاداندیشی مورد تأکید است و در عین حال توصیه شده از مواهب دنیا در جهت گسترش زندگی دینی و آسایش خود استفاده کنید.

اما در هر صورت، بستر اصلی انتقال مفاهیم و مناسک دینی همین مراسم است؛ چه حضوری باشد چه بزرگ، چه مجازی باشد چه حقیقی، با هر سبک و شیوه‌ای. مهم این است که باشد. به این ترتیب می‌توان گفت یکی از راه‌های گسترش زندگی دینی، برپایی جوامع کوچک و بزرگ برای انجام مناسک است تا در پی آن مفاهیم مغفول مانده در دین کم‌کم یادآوری شود.